

وقتی و اعمال سیاستهای استعماری دولتهای اروپایی، اعتبار سیاسی ایران به خطر افتاد و مظاهر فرهنگی آن در فرسایشی مداوم و عظیم، به نابودی رفت. انتخاب تهران به عنوان پایتخت و انتقال دولت از مراکز قدیم تمدنهای شهرنشین (همچون اصفهان، شیراز، قزوین، تبریز یا خراسان) به شهری نوظهور و تازه‌پا، بالطبع مظاهری از فرهنگ و تمدن درخشان دوره قبل را هم تحت الشعاع قرار داد. تغییرات و بعد از آن تحریفاتی که از معماری شروع و به موسیقی و خوشنویسی ختم شد، عدم لیاقت زمامداران قاجار و بی‌احتیابی آنها به مصالح ملت و اعمال نفوذ سیاستهای

چند سال قبل، اجرایی از گروه موسیقی قشقایی، به سرپرستی فرود گرگین پور، در میان شنوندگانی که خود اهل منطقه و آشنای ایل و حال و هوایش (که البته به پرشوری و تحرك قدیم نیست) شوری به پا کرد و توجه انبوه شنوندگانی که با این موسیقی آشنایی نداشتند را برانگیخت و این نه از قلت بضاعت موسیقی ایل بزرگ قشقایی، بلکه منتج از مجموعه عوامل دیگری است. چراکه موسیقی قشقایی - که در صورت اصیل و اصل خود به اجرا درآید - سرشار از لطافت، تنوع و گستردگی است. در دوران سلطنت قاجار، به علت بی‌کفایتی پادشاهان



کلیات

موسیقی در ایران

پیرامون

مشکل همیشگی فقر اندیشه و فقدان ذهنیت

دوروی

برای ملکی بی بی قشقایی، خانم نازلی و آقای کاوه بیات

● علیرضا ادیب یک سکه

چه منفی - تغییر کیفیت دیگری را نیز باعث می شود. تغییری نافذ و آشکار، در طول زمانی که کسی نمی تواند مدت دقیق آن را معین کند.

از آنجا که تضعیف فرهنگ کهن رسمی ایران (بخصوص در زبان پارسی) منبعت از سیاستگذاری های سران قوم بود، می توان دلیل اصلی (یا لاقابل یکی از مهمترین دلایل) این تصنیف را، ناشی از بی ریشگی های فرهنگی بسیاری از این تصمیم گیرندگان دانست. کسانی که در اواخر دوره قاجار و تمامی دوره پهلوی، تصدی مشاغل مهم و حساس را داشتند. با این که گاه «از فرق سر تا نوک ناخن غرب زده»

زیرکانه استعمار و ناآگاهی مردم؛ سه ضلع مثلثی شوم را تشکیل می داد که هر کدام از اضلاع آن، به طریقی نافذ و گسترش ضلع دیگر را تقویت می کرد. دو این میان، فرهنگ رسمی کشور که نماینده اصیل مظاهر والای تمامی فرهنگهای گوناگون مناطق بود دچار تغییر، تحریف، تخریب و انهدام شد و زمینه ای را برای آسیب پذیری فرهنگهای اصیل منطقه ای آماده کرد. چراکه هر دوی این فرهنگها (رسمی و بومی) در عین این که سرچشمه و آبشخور یکدیگر به طور متقابل به شمار می روند، با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند و تغییر کیفیت هریک - چه در جهت مثبت و



می شدند و گاه با یکصد و هشتاد درجه تغییر، سنت گرای افراطی و فدایی دو آتشه سنن قومی و فرهنگهای اصیل منطقه ای می شدند، اما در هنگامه خطر، تمامی دارایی مادی و معنوی و هویت فکری- ملی شان در چند چمدان خلاصه می شد و به همان جایی می رفت که مبدأ و مقصد اول و آخرشان همه جا بود. تاریخ نشان می دهد که تنها خانواده های بزرگ (عمدتاً غیر نهرانی) متعلق به فرهنگهای کهن، عشایر بزرگ قدیمی و اقوام قدیم تبار بودند که نه تنها هویت اصیل خود، بلکه میراث فرهنگی- هنری خود و شرافت خود را محفوظ داشتند، بلکه تا آخرین حد توان در مقابل خائنانه دولتهای وقت ایستادند و تا پای جان مقاومت کردند. از جمله، ایلیات های بزرگ و خانواده های معظمی از کردستان، لرستان، فارس، خراسان، مازندران تا تبریز و بسیاری مناطق دیگر که شرح دلایر و تعصب پاکشان برای حفظ مذهب و میراث فرهنگی پدرانشان، در تاریخ معاصر محفوظ است. روایت صحیح و صادقانه از تاریخ معاصر نشان خواهد داد که این مفاخر ایرانی تا چه حد در حفظ و صیانت سنن اصیل مذهبی- ملی- فرهنگی قوم خود و کشور خود، سهم داشته اند. گذشته از عوامل بیرونی، مهمترین علت این شکست های موحش و جبران ناپذیر، فقر اندیشه، ناآگاهی از فرهنگ خود، ناآگاهی از ارزشهای دیگران، ناآگاهی از جریانات زمان و امورات بیگانگان و به طور کلی «فقدان ذهنیت» بوده است. عدم تقید به اندیشه ورزی و فقدان ذهنیت لازم، به اضافه نفوذ انواع مختلفی از ناآگاهی ها، دو روی یک سکه هستند. سکه ای که متأسفانه دستمایه اصلی داد و ستدهای فرهنگی بسیاری از ما و دیگر کشورهای شرقی رشد و بنا به ماهیت اصل خود، زیانبارترین مظاهر را برای ما به ارمغان آورد. تا جایی که در حد یک آلت فعل تنزل کرده و نمی دانیم که هستیم، چه هستیم، چه درست است و چه درست نیست، کجا ایستاده ایم و چه باید بکنیم. مصاحبه حاضر نیز، نه برای شناخت موسیقی قشقایی بلکه برای نمایشی کوتاه از این نقش تأسف بار است. خانم دکتر مهدخت کشکولی، محقق ارجمند و نویسنده لطیف قلم معاصر، در داستان بسیار زیبای «رسم ما- سهم ما» نمونه ای از این خسارات جبران ناپذیر را به نهایت ژرفا و با احساس بسیاری تصویر کرده است. در این مصاحبه گرایشی دیگر را می توان مطالعه و درباره آن اندیشه کرد.

مصاحبه با طهمورث کشکولی، خواننده گروه قشقایی

اشاره:

طهمورث کشکولی (متولد ۲۲ بهمن ۱۳۲۰، زاده استان فارس و طایفه کشکولی است. از ده سالگی به موسیقی پرداخته و آموزگار روستاهای اطراف شیراز است. صوتی خوش دارد و با صلابت می خواند. اگر استادی کار دیده و

مسلط به اصالتهای موسیقی قشقایی همراه وی افتد و او را در مسیر اصلی خود بیفکند، پذیرای تجلیاتی بسیار مرغوب تر و دلنشین تر از اجراهای امروزه وی خواهیم بود.

(مقام)

□ خواهشمندم مختصری در باب معرفی خود و سوابقتان بفرمایید.

■ بسم الله الرحمن الرحیم. بنده، طهمورث کشکولی، یکی از خوانندگان ایل قشقایی هستم. شغل بنده تدریس در روستاهای اطراف شیراز است.

□ لطفاً درباره ایل قشقایی توضیحی برای ما داشته باشید.

■ ایل قشقایی، مجتمع بزرگی است که اطراف شیراز و کازرون و به طور کلی استان فارس پراکنده است. از نزدیک اصفهان شروع شده و تا حدود کنگان، لار و گره دار، پراکنده اند. ایل قشقایی شاخه های مختلفی را شامل می شود و از شش تیره بزرگ تشکیل شده است. هر کدام از این تیره ها شش طایفه را شامل می شود و هر کدام از این طوایف هم برای خود شاخه های گوناگونی دارند.

□ آیا موسیقی متعلق به هر یک از این تیره ها با دیگری تفاوتی می کند؟

■ گویش هر کدام در لهجه با یکدیگر کمی تفاوت دارند، اما موسیقیشان خیر. اگر هم تفاوتی باشد محسوس نیست. در نهایت یکی است.

□ آیا این تیره ها، در نهایت با یکدیگر پیوند قومی و وحدت مشترک دارند؟

■ بله می شود گفت که دارند.

□ آقای فرود گرگین پور قرار بود حضور داشته باشند و در مورد موسیقی قشقایی برایمان صحبت کنند. حال که ایشان حضور ندارند، شما می توانید کلیاتی درباره موسیقی قشقایی را برایمان بازگو کنید؟

■ موسیقی قشقایی، موسیقی بسیار گسترده و عمیقی است. آهنگهای بسیار متنوعی دارد که از قدیم، سینه به سینه گشته و به ما رسیده است، متأسفانه در این مورد، ما کسی را که بتواند این آهنگها را به خط نت فرنگی بنویسد نداشته ایم تا بتوانیم با استفاده از آنها، آهنگهای قدیم را اجرا کنیم. در حال حاضر هم کسی را نداریم و در کل قوم قشقایی، تنها کسی که موسیقی را به طور «نت» یاد گرفته باشد، همان آقای گرگین پور هستند.

□ معذرت می خواهم، در این که آقای گرگین پور موسیقیدان خوبی هستند حرفی نیست، اما در این مورد، آیا شما فکر می کنید ایشان، با وجود روشنفردیشان، می توانند آن طور که باید و شاید، از خط نت و امکاناتش استفاده ای عملی بکنند؟

■ خوب، بله، چون ایشان استاد موسیقی هستند و همین حالا هم شاگردانی را درس می دهند.

□ متوجه نشدم، آیا ایشان هم اکنون که با گروهشان کار می‌کنند، تعلیم و تمرینشان با استفاده از نت انجام می‌شود؟

■ بله، با گروهشان، از روی نت کار می‌کنند (۱۹)

□ باز هم نفهمیدم، چطور ممکن است ایشان از روی کاغذ نوشته‌ای، تعلیم و تمرینی بدهند که خودشان قادر به رؤیت آن نیستند؟ به صورت برجسته (بریل) هم که تا به حال نداشته‌ایم.

■ آخر، گروه آقای گرگین پور از بچه‌های تهران هستند که با ایشان کار می‌کنند. از تابستان تا به حال هم چند تا آهنگ درست کرده‌اند و کار کرده‌اند که الان به تشنگی دارند می‌نوازند.

□ خیلی خوب، بگذریم، می‌خواستم بپرسم که تحصیلات موسیقی شما تا چه حد است؟
■ تحصیلات موسیقی تا به حال نداشته‌ام.

□ توضیحاً می‌خواستم عرض کنم از وقتی که استفاده از خط نت در موسیقی ایران مطرح شده، بحث مفصلی پیش آمده است که موافق و مخالف زیاد دارد. بیشترین حرفی که در این مورد رایج است، ادعای برخی افراد درباره میزان امکانات و کاربردهای این خط است. این خط اصلاً مخصوص نیازهای موسیقی غربی، ساخته و پرداخته شده و تکامل یافته است. این عده می‌گویند: به همان صورت که می‌توان با استفاده از حرف الفبا، متون نظم و نثر را حفظ و ثبت کرد (گرچه در این مورد هم حرفهایی هست)، به همان ترتیب هم می‌توان با استفاده از این خط، آهنگهای موسیقی ایرانی - حالا مربوط به هر منطقه می‌خواهد باشد - را حفظ و ثبت کرد. نظر شما چیست؟

■ راستش ... نظری ندارم ...

□ مایلم نظر شما را به عنوان کسی که به این خط معتقد است بدانم. آیا شما فکر می‌کنید که نت موسیقی غربی می‌تواند آهنگهای ما را آنطور که باید و شاید، به طور کامل ثبت و ضبط کند؟
■ به هر حال، شنیده‌ام که یک کلیاتی را می‌تواند بنویسد.

□ فکر می‌کنید آهنگهایی در سابق وجود داشته که به خاطر فقدان چنین خطی، منهدم شده و به دست ما نرسیده باشد؟

■ البته امکان دارد که از بین رفته باشد. چراکه روش

انتقال موسیقی نزد ما همیشه سینه به سینه و شفاهی بوده است.

□ بفرمایید که به نظر شما، تا اوایل دوره پهلوی، آیا عواملی از فرهنگهای خارجی در فرهنگ و موسیقی ایرانی تأثیر داشته‌اند؟

■ ... فکر نمی‌کنم، خیر، نبوده است.

□ اگر ممکن است برای ما مختصری از مقامهای متداول در موسیقی قشقایی را نام ببرید.

■ در موسیقی قشقایی مقامهای بسیاری هست، از جمله، مقامی به نام «مقام صمصام» داریم. صمصام از خوانین قشقایی بوده که سه تار را عالی می‌نواخته و صدای بسیار خوبی هم داشته است. این شخص، با وجود مقام ممتاز اجتماعی اش نه تنها در محافل بزرگان و خوانین ساز می‌زد بلکه در مجالس افراد طبقه سوم و تهیدستان هم، بی‌ریا و بی‌تکبر می‌نشست و بی‌مضایقه می‌نواخت. همه مردم، علاقه بسیار به شخصیت او و همچنین صدای ساز و آوازش داشتند. این مقام، ساخته صمصام و مختص خود اوست. نغمه دیگری هم داریم به نام «مقام محمدعلی خان» که او هم یکی از خوانین طایفه کشکولی بوده است. ایشان هم از خوشخوانان آن دوره بوده و مقام منتسب به او معروف است. به لهجه ما، مقام را «قَس» هم می‌گویند. مثلاً می‌شنویم که «قَس صمصام» یا «قَس محمدعلی‌خانی» را بخوان. «قَس خسرو» هست، «گرایلی» هست، «باشگرایلی»، «همایون»، بیات ترک و «شاه ختایی» هم داریم. آن سال که در تهران بودیم و با گروه معراج (به سرپرستی تورج زاهدی) صحبت می‌کردیم، می‌گفتند بیشتر آهنگهای موسیقی سنتی از موسیقی های مقامی گرفته شده و اینها در آن موسیقی هم وجود دارد.

□ اگر باز هم به خاطرتان از این اسامی هست، بفرمایید.

■ «لایچناران»، «لایلی»، «جیران جیران» ... تعداد مقامها خیلی بیشتر از اینهاست. پیرترهای منطقه بهتر می‌دانند.

□ آیا شما در فراگیری فن و آوازخوانی استادی هم داشته‌اید؟

■ ... بنده استادی نداشتم. همین جور پیش خودم، با گوش کردن به این و آن یاد گرفتم.

□ به نظر شما، آموزش موسیقی به این صورت، بدون استاد صحیح است؟

■ مسلماً اگر با نظارت استاد باشد بهتر است.

□ از خوانندگان معروف قشقایی، کسی را می‌توانید نام ببرید؟

■ آقای محمود اسکندری کشکولی که هم اکنون نیز در قید حیات هستند. از خوانندگان قدیم (تا اوایل دوره رضاخان)، «محمدحسین کیهانی» و خانمی به نام



«ماه پرویز»، خانمی دیگر از طایفه کشکولی به نام «شاه‌زینب» ...

□ در قشقایایی‌ها آیا خانمها به طور آزادانه می‌توانسته‌اند به موسیقی بپردازند؟

■ بله البته، هیچ مسئله‌ای، از آن نوع که بین اقوام دیگر رایج است بین قشقای‌ها نبوده و نیست. ما، آهنگی به نام «برنجکوبی» داریم - که در قدیم کارخانه‌های برنج‌کوبی نبوده و مردم توسط وسایل دستی، برنج را سفید می‌کرده‌اند - مراسم برنجکوبی به این صورت بوده است که چند دختر جوان در پی همدیگر می‌ایستاده‌اند، یک نفر سرگروه برنجها را می‌ریخت و آواز اصلی را سر می‌داد، بقیه افراد هم در پی او آواز را می‌سراییدند و در تکرار آواز برنجها را نیز می‌کوبیدند تا این کار تمام شود.

□ شما در جشنواره‌های فجر سالهای قبل برای اجرای برنامه حضور داشتید؟

■ بله، یک سال به دعوت آقای گرگین پور و تأیید اداره ارشاد منطقه، به تهران آمدم. متأسفانه برنامه‌ها طوری بود که ما فقط توانستیم در مراسم اختتامیه برای اجرای برنامه حاضر شویم. اما بعداً با نامه‌ای که مستقیماً به اداره وزارت آموزش و پرورش شعبه شیراز نوشتند، ترتیب کارها درست و مرتب شد.

□ نوارهایی که متعلق به بخش موسیقی شهری رایج - با عنوان موسیقی «اصیل» یا موسیقی سنتی ایران - در تهران تولید و عرضه می‌شود، در منطقه شما چه مقدار رواج دارد؟

■ میزان استقبال که زیاد است! بخصوص یکی دو خواننده محبوبیت بیشتری دارند!

□ از این نوع موسیقی بیشتر استقبال می‌شود یا از انواع مختلفی که بعضاً با کمک ارکستر سمفونیک مخلوط با سازهای ایرانی اجرا می‌شوند؟

■ طبعاً استقبال از نوع اول بیشتر است. شاید برای این که روحیه ایرانی تری دارند.

□ معمولاً چه گروههایی از سنین مختلف یا اقشار فرهنگی از این نوع موسیقی‌ها می‌پسندند؟

■ عرض کنم که اصولاً قشقای‌ها موسیقی را به طور کلی خیلی دوست دارند. جوانها که بیشتر همین موسیقی ایرانی

رایج را - که در نوارهای فعلی هست - می‌پسندند. اما قدیمی‌ها، این انواع جدید را خوش ندارند. همان موسیقی مقامی اصیل خودشان را بیشتر ترجیح می‌دهند.

□ سؤالی در این بین پیش می‌آید: غیر از آقای گرگین پور که آشکاراً از طرز اجرای موسیقی‌های شهری تأثیر پذیرفته‌اند، آیا استادان دیگری می‌شناسید که این تأثیرپذیری را در اجراهای خود منعکس کرده باشند؟ شما، به عنوان کسی که از راه گوش با این نوع موسیقی و رگه‌های اصیل آن آشنایی دارید، فکر می‌کنید که این تأثیرپذیری تا چه حد بوده است؟

■ در مورد آقای گرگین پور که از موسیقی دانان خوب هستند، این حرف درست است. و اما بنده والله چون نت نمی‌دانم (!) و چندان وارد نیستم نمی‌توانم چیزی ...

□ مقصودم تحلیل علمی نیست، از شما خواستم موضوع را همان طور که حس می‌کنید بیان بفرمایید. مثلاً فکر می‌کنید آیا طرز آوازخوانی شما از آوازخوانی یکی از خوانندگان معروف امروزی، حاضر تأثیر گرفته است؟

■ ... راستش بله. تأثیر زیادی گرفته است.

□ فکر می‌کنید علتش چیست؟

■ فکر می‌کنم به خاطر شعر فارسی است. ما در منطقه و ایل، شعر فارسی می‌خوانیم و ایشان هم شعر فارسی می‌خوانند. این است که تأثیرپذیری زیاد می‌شود.

□ گمان می‌کنید تأثیرپذیری شما از نوعی موسیقی که خودش نیز هم اکنون به صورت خالص و صحیح مطرح نیست، بخصوص در قسمت گروه نوازی، آیا به سود هنر اصیل منطقه شما می‌تواند باشد و می‌تواند عامل پیشرفت آن شود؟

■ نه با این وضع البته شکل اصیل موسیقی خودمان بهتر است، تا این که از غربی‌ها تقلید کنیم ...

□ مقصود تنها موسیقی غربی نیست. بلکه بیشتر انواع رایج موسیقی‌های مثلاً «سنتی» در حال حاضر است. نمی‌گوییم این موسیقی‌ها خوبند یا بد، حتی نمی‌گوییم چه هستند. فقط این سؤال از شما می‌شود که فکر می‌کنید آیا تأثیرپذیری و تقلید از اینها، به



سود هنر منطقه شما هست یا نه؟

■ خوب بله ... هست .

□ این منفعت را برای موسیقی تان از چه زاویه و با چه معیاری می بینید؟

■ ... راستش، والله کمی وسعتش می دهد .

□ نظر شما درباره 'نوارهای مبتذل و مستهجنی که با صدای فراری های خارج از کشور کهکاه در گوشه و کنار شنیده می شود چیست؟ این نوارها در منطقه شما تا چه حد استقبال می شوند؟

■ یک عده وارد می کنند . اما به آنها خیلی کم اعتنا می شود . در عشایر که می شود گفت اصلاً نیست . این جور مبتذلات را دکه دارها توزیع می کنند .

□ آیا در عشایر به خاطر کمبود دستگاه ضبط است که ...

■ خیر اصلاً این طور نیست ، آنجا در هر خانواده یک دستگاه ضبط پیدا می شود . مسئله این است که فرهنگشان این جور چیزها را اقتضا نمی کند .

□ چه قشورهایی در شهر از این جور نوارها گوش می دهند؟

■ یک عده از اینها ، آدمهای خودباخته ای هستند که تازه شهرنشین شده اند و اصالت ایلداری خودشان را از دست داده اند ، عده کمی از بعضی جوانها هم هستند . البته در خانواده های کارمند آنها که اهل منطقه نیست و به مأموریت آمده اند هم گاه دیده می شود .

□ چرا از موسیقی اصیل منطقه شما در صدا و سیما پخش نمی شود؟

■ چرا هست ، ولی خیلی خیلی کم ... هر از گاهی در 'برنامه دهقان' چیزهایی شنیده می شود .

□ از محققین موسیقی علمی یا موسیقی شناسانی که کارهای تحقیقاتی در سطح دانشگاهی انجام می دهند و عده ای از آنها به منطقه شما آمده اند ، کسی را دیده یا می شناسید؟

■ خیر . نمی شناسم .

□ در هر حال امیدوارم شما به عنوان یک خواننده همیشه موفق باشید .

■ متشکرم .